

# Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

## انتشار جریان دادرسی از ناحیه رسانه های گروهی

حنانه کمال زاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

hananehkamalzadeh@yahoo.com

### چکیده

امروزه دسترسی به آرای دادگاه ها جهت نقد و بررسی فرآیند دادرسی به اصل مهم در جهت ایجاد شفافیت قضایی و مبارزه با بی عدالتی تبدیل شده است. نشر آراء محاکم در بسیاری از امور رایج است. در نظام حقوقی ایران، گرچه اصل بر علنی بودن محاکمات است، اما بعضاً در اموری مانند جرائم اقتصادی یا سیاسی این مسأله دیده نمی شود. اصل علنی بودن محاکمات، آزادی اطلاعات و آزادی بیان با توجه به منافع مهمی که عاید جامعه می کنند از مهمترین مبانی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی محسوب می شوند. در مقابل، برخی از اصول دادرسی منصفانه، نظم عمومی و اخلاق حسنه ایجاب می کنند که از حضور رسانه ها در محاکم و دسترسی آنها به اطلاعات قضایی جلوگیری شود. به نظر می رسد در این امر هنوز به قوانین محکم تری نیاز است. اصل علنی بودن محاکمات، آزادی اطلاعات و آزادی بیان با توجه به منافع مهمی که عاید جامعه می کنند از مهمترین مبانی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی محسوب می شوند.

**واژگان کلیدی:** علنی بودن، انتشار محاکمه، رسانه ها.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

### مقدمه

توسعه عدالت کیفری در هر جامعه ای با دادرسی عادلانه در آن جامعه که مستلزم حق ها و آزادی های کنشگران فرآیند کیفری است، ارتباط تنگاتنگی دارد. ارتقاء عدالت کیفری موجب توسعه عمومی و تعالی اجتماع نیز می شود. زیرا، وقتی شهروندان می بینند که حق آنان مورد احترام و حمایت هیأت حاکمه قرار می گیرد، در آنان احساس امنیت قضایی ایجاد و تقویت می شود و در پی آن تمایل بیشتری در مشارکت برای پیش رفت اجتماع خود خواهند داشت. اصل علنی بودن دادرسی کیفری از تضمینات مهم امنیت قضایی است؛ زیرا مردم می توانند در جلسات دادرسی حضور پیدا کنند؛ در جریان محاکمات قرار گیرند و در یک داوری عمومی منصفانه بودن آن را ارزیابی نمایند. از آنجا که دستگاه قضایی همانند دیگر نهادها و ارگانهای دولتی، امانتدار مردم است؛ با علنی بودن دادرسی، عملکرد آن تحت نظارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می گیرد و از گرایش به انحراف مصون می ماند و از طریق این نظارت امنیت قضایی افراد نیز به نحو شایسته تضمین می شود.

گرچه، برابرماده ۳۵۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، اصل بر علنی بودن محاکمات بوده، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند.

قرار مزبور در تعارض با اصل علنی بودن محاکمات یا دادرسی بعنوان یکی از اصول نظام دادرسی عادلانه بر مبنای موازین حقوق بین الملل بشر است.

قانونگذار در مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ به بررسی بحث علنی بودن دادرسی کیفری و همچنین انتشار آن از طریق رسانه های گروهی پرداخته است. به نظر می رسد قانونگذار در این ماده نیز همانند مقررات تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۸۸ قانون سابق را پذیرفته است. این تبصره چنین مقرر می داشت: خبرنگاران رسانه ها می توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و متشکی عنه، باشد منتشرنمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکمت افتراء است.

در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از جمله خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه و..... انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده ضرورت داشته باشد، در صورت درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن افشای اطلاعات فردی یا اجتماعی متهم یا شاکی است، امکان پذیراست و این استثنایی بر صدر ماده است.

هدف قانونگذار تنظیم روابط اجتماعی است. قانون برای جامعه نوشته می شود. با نبود یک ساز و کار مناسب برای انتشار و اطلاع رسانی قوانین و مقررات، اهداف قانونگذار نیمه کاره رها خواهد شد. امروزه یکی از مهمترین چالش های فرا روی گسترش حاکمیت دولت ها برای توسعه نظارت عمومی بر شهروندان، تضمین امنیت افراد در برابر هیأت حاکمه و یا صاحبان قدرت است. یکی از مهمترین شاخه های امنیت فردی، تضمین امنیت قضایی است که در برگزیده یک نوع تکلیف برای دولت ها و دستگاه عدالت جهت حفظ و تأمین آن است. البته دستگاه متولی اجرای عدالت کیفری و تأمین کننده امنیت قضایی، زمانی می تواند عدالت و امنیت قضایی افراد را تأمین کند که دادگاه ها و مراجع قضایی در اجرای وظایف قانونی خود به گونه ای رفتار کنند که به حقوق و آزادی های افراد لطمه ای وارد نشود و حرمت انسان ها مورد تعرض قرار نگیرد. اصل علنی بودن دادرسی از تضمینات مهم امنیت قضایی است؛ زیرا مردم می توانند در جلسات دادرسی حضور پیدا کنند. در جریان محاکمات قرار گیرند و در یک داوری عمومی منصفانه بودن آن را ارزیابی نمایند. از آنجا که دستگاه قضایی همانند دیگر نهادها و ارگان های دولتی، امانتدار مردم است؛ با علنی بودن دادرسی، عملکرد آن تحت نظارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می گیرد و از گرایش به انحراف مصون می ماند و از طریق این نظارت، امنیت قضایی افراد نیز به نحو شایسته تضمین می شود. از سوی دیگر این اصل الزاماتی نیز با خود به همراه دارد که حضور رسانه ها در محاکمات و انتشار جریان رسیدگی از آن جمله است. این موضوع که رسانه ها بتوانند آزادانه در جریان محاکمات در دادگاه حاضر شده و به عموم مردم اطلاع رسانی کنند موضوع تازه و بدیعی نیست و قانونگذار ایران نیز در سال های گذشته به تدریج به سمت و سوی تجویز انتشار جریان رسیدگی پیش رفته است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ تغییر قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است، به نحوی که انتشار جریان رسیدگی با قیودی نسبتاً مشابه ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ امکان پذیر شده است. ماده ۳۵۳ در این راستا مقرر داشته است: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکانپذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.»

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

این ماده دارای دو تبصره هم هست. با توجه به تمام موارد ذکر شده هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی اصل علنی بودن دادرسی و انتشار جریان دادرسی در حقوق جزای ایران و آیین دادرسی کیفری ۹۲ خواهد بود.

یکی از تضمینات مهم امنیت قضای، علنی بودن دادرسی است. منظر از علنی بودن جلسه ی دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند؛ و به اجرای دقیق قوانین، بی نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. برخی حکومت ها برای سرکوب مخالفان خود، آنها را به میز محاکمه کشانده و محاکمه می نمایند.

اصل علنی بودن دادرسی مانند سایر اصول مهم دادرسی های کیفری علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش بینی شده است. در محاکمات عادی شرط علنی برگزار شدن محاکمات این است که موضوع دعوی، منافی عفت و بر خلاف اخلاق حسنه نباشد و هم چنین محل امنیت یا احساسات مذهبی نبوده و در امور خانوادگی نیز درخواستی از طرفین مبنی بر غیر علنی بودن نباشد. اگر چه اصل علنی بودن دادرسی به عنوان تضمینی برای قضای شایسته شمرده می شود، در عین حال باید پذیرفت که حفظ اسرار قضاوت شوندگان در بعضی امور می بایست یا بهتر است مورد توجه قرار گیرد. در این موارد (مخصوصاً در دعوی خانوادگی و امور مربوط به زندگی خصوصی افراد) منافع اصحاب دعوا ایجاب می نماید که حضور دیگران در دادگاه مجاز نباشد. از سوی دیگر، علنی بودن جلسات دادرسی، مخصوصاً در امور کیفری می تواند بر خلاف فلسفه وجودی آن اعمال نماید.

در تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم: آیا می توان بپذیریم که انحراف جریان قضایی صورت می گیرد؟ جرم انگاری در علنی بودن جریان دادرسی چگونه است؟ اگر انحراف صورت بگیرد یک جرم علیه عدالت قضایی محسوب می شود یا خیر؟

در لایحه تعزیرات این موضوع چگونه اشاره شده یا خیر؟ اصولاً سیاست کیفری در این زمینه چیست؟  
با وجود نص صریح قانون در این مورد، کنکاش این موضوع عبث و بیهوده است. برابر تبصره ماده ۱۸۸ قانون م ا د الزکر انتشار محاکمه در رسانه های گروهی اعم از رادیو یا تلویزیون به صورتی که همه اسامی، مشخصات و هویت متهمین منتشر می شود؛ در حکم جرم افترا بوده و ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی رکن قانونی آن را تشکیل می دهد. در حال حاضر با اصلاح و الحاقاتی که روی ماده ۱۸۸ ق. آ. د. ک. صورت گرفت خبرنگاران رسانه ها فقط می توانند یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نماید. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است.

### روش پژوهش

تحقیق به روش توصیفی انجام می شود. در تحقیق حاضر روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای خواهد بود. و با استفاده از کتب، پایان نامه ها، مقالات و پایگاه های اینترنتی معتبر و از طریق فیش برداری انجام خواهد شد.

### گفتار اول - مفهوم علنی بودن دادرسی

از لحاظ تاریخی، نظام دادرسی اتهامی اولین و قدیم ترین شیوه دادرسی کیفری بشمار می آید. آثار این نظام را هم در قدیمی ترین تمدن های خاورمیانه (سومر و بابل) می توان یافت (شمس، ۱۳۸۵: ۱۱۸)، و هم این روش در یونان و روم باستان، حقوق ژرمنی و در فرانسه در دوران فرانک و عهد فئودال وجود داشته است. (خالقی، ۱۳۸۸: ۱۵). دادرسی اتهامی در زمان های گذشته تقریباً در کلیه کشورهای اروپایی معمول بوده و یک روش دادرسی عمومی محسوب می شده است. (آخوندی، ۱۳۸۸: ۸۲). در دوره های بعد این نظام دادرسی در کشورهای آلمان، ایتالیا و اتحاد جماهیر شوروی سابق که مبتنی بر نظام استبدادی بودند به منصف ظهور رسید. (گلدوست، ۱۳۸۸: ۲۴) پایه و اساس نظام دادرسی اتهامی بر قصاص و انتقام شخصی مبتنی بوده است.

در ادبیات مربوط به تاریخ حقوق کیفری، خودیاری یا دادگستری خصوصی و انتقام به آن دوره از زمان حیات بشری اطلاق می شود که جامعه سازمان یافته و دولت و به تبع آن جرم و مجازات به معنای امروزی وجود نداشت و یا تعداد آن بسیار محدود بود. (صفری، ۱۳۸۸: ۳۵) در دوره دادگستری خصوصی هر چند قانون و مقرراتی جز در برخی جوامع و نمونه های معین تاریخی مثل قوانین حمورابی و هیتی ها به شکل امروزی وجود نداشت اما مهم ترین مجوز برای انتقال جویی همانا تجاوز به منافع فردی یا خانوادگی و نهایتاً گروهی یک فرد یا قبیله معین بود؛ بنابراین عموم جرایم به مفهوم امروزی اقدام علیه منافع فردی یا خانوادگی تلقی می گردیدند و واجد جنبه عمومی نبودند. به همین دلیل هدف از مقابله با مرتکب دفاع از ارزش های خانوادگی، جبران خسارت یا انتقام گرفتن از مرتکب به منظور ترضیه و تشفی خاطر مجنی علیه یا زیان دیده از جرم یعنی بزه دیده بوده است. نظام اتهامی به طور اصلی پاسخگوی این تفکر است که دعوی تنها مبارزه ای است که به شکلی تشریفاتی تنظیم گردیده و نزد شاهی بی طرف و منفعل یعنی قاضی که نقش او تنها اعلام حق یا تأیید موضع یکی از طرفین می باشد جریان می یابد. ذیلاً به ویژگی های این نظام می پردازیم:

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

ویژگی نخست، لزوم طرح شکایت بزه‌دیده برای محاکمه و مجازات مرتکب بود؛ زیرا در این دوران هنوز تحت تأثیر ایده انتقام که آئین دادرسی کیفری فقط به تنظیم آن می‌پرداخت، جامعه حقی مستقل از بزه‌دیده برای خود قائل نبود و مجازات جنبه جبران خسارت داشت. در واقع در این نظام مقام و مرجعی وجود نداشت که عهده‌دار تعقیب جرایم باشد. قاعده معروف و قدیمی "در صورت فقدان شاکی قاضی حق دخالت ندارد"، به وضوح حکایت از نقش بزه‌دیده از جرم در تعقیب بزه‌کاران در نظام اتهامی دارد. (خالقی، ۱۳۸۵: ۱۵) در این نظام، برای جلوگیری از طرح شکایات‌های ناروا، شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوی خود تا پایان محاکمه صرف‌نظر نکند والا به مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده یا حسب مورد، به مجازاتی دیگر محکوم می‌شد.

این ویژگی از معایب مهم این نظام بشمار می‌آید؛ زیرا در بسیاری موارد جرایمی اتفاق می‌افتد که ممکن است شخص شاکی به جهت ترس یا به دلایل دیگری، اقامه دعوی نکند. فلذا بسیاری از جرایم بدین جهت از دید قاضی پنهان می‌ماند و مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند. به همین جهت در سال‌های اخیر در کشورهای تابع نظام اتهامی مثل انگلستان، آمریکا و غیره، یک قاضی را به‌عنوان قاضی سلطنتی مشخص نموده‌اند که در مورد جرایم عمومی وظیفه تحقیق را به‌عهده دارد.

ویژگی دوم، علنی بودن دادرسی است. به این معنا که محاکمه در محل‌های بزرگ و شناخته شده شهر، صورت می‌گرفت تا هر کس مایل باشد در جلسه محاکمه شرکت کند. منعی برای حضور مردم وجود نداشت، هر کس می‌توانست جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید. در روم قدیم محاکمات در بازار عمومی شهر صورت می‌گرفت. امروزه یکی موضع نمایان یعنی جایی که بدون در و دیوار باشد مثل مکانی وسیع بنشینند تا اینکه رسیدن به او آسان باشد. امروزه یکی از اصول مهم دادرسی منصفانه، اصل علنی بودن دادرسی است. به همین جهت یکی از محاسن این نظام همین علنی بودن دادرسی شمرده شده است.

ویژگی سوم، شفاهی بودن محاکمه است. به این معنا که مطالب هر یک از دو طرف به صورت شفاهی ابراز می‌شد و این مطالب و دلایل اتهام یا دفاع به صورت کتبی و در پرونده‌ای برای دادرسی مضبوط نمی‌گردید بلکه قاضی می‌تواند براساس شنیده‌های شاکی و دفاع توسط متهم در جلسه دادگاه رسیدگی و مبادرت به صدور حکم نماید.

ویژگی چهارم، ترافی بودن دادرسی بود. دادرسی کیفری همچون یک دادرسی حقوقی بود که شاکی و متهم در جایگاه خواهان و خوانده قرار داشتند، شاکی دلایل خود را ابراز می‌داشت و متهم در موقعیتی برابر با او و با اطلاع از دلایل طرف مقابل خود، به رد دلایل اتهامی می‌پرداخت و قاضی با ملاحظه نبرد قضایی طرفین، در پایان حکم خود را صادر می‌کرد؛ بنابراین حق دفاع متهم در این نظام به خوبی تضمین گردیده است. به همین جهت این مشخصه نیز از محاسن و امتیازات نظام دادرسی اتهامی است. (خالقی، ۱۳۸۸: ۱۵)

ویژگی پنجم، عدم استفاده از قضات حرفه‌ای بود. شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می‌کرد یک قاضی حرفه‌ای نبود و اطلاعات قضایی ویژه‌ای در امور دادرسی کیفری نداشت. در حقیقت متهم به وسیله افراد عادی که هم‌طبقه خود او بودند مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گرفت.

عمل مجرمانه‌ای که در مرئی و منظر عموم ارتکاب می‌یابد، جرم علنی است و ملاک علنی بودن، وضعیت و موقعیت محل ارتکاب جرم است نه اشخاصی که احیاناً جرم ارتکابی را می‌بینند. بنابراین جرم علنی باید در منظر و دیدرس عمومی باشد. (ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶)

علنی در لغت مأخوذ از عربی غلن و غلن به معنی آشکارا و هویدا است. (دهخدا، ۱۳۷۲) در باب جرم علنی در قانون مجازات اسلامی تعریفی ارائه نشده است. اما ماده ۲۱۴ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در تعریف علنی بودن مقرر شده بود که از نقطه نظر جزایی، مقصود از ارتکاب عملی به طور علنی، ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از اینکه محل ارتکاب از امکان عمومی می‌باشد یا نه و یا ارتکاب آن در امکان است که مُعد برای پذیرش عموم باشد از قبیل حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه و نمایشگاه و مانند آن. و رویه قضایی در رأی شماره ۴۱۳، ۱۳۱۶/۲/۳۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور آورده است که مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به طور علنی عبارت است از اینکه عمل در مرئی و منظر عمومی واقع شود یا مکانی که مستعد برای عموم باشد و قصد مرتکب به پنهان نمودن عمل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن آن تأثیری در کار نخواهد داشت. (شکری، ۱۳۸۹: ۷۰۶). و قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی صرفاً مقرر داشته است:

هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی تظاهر به عمل حرامی نماید محکوم خواهد شد. بین علن در آئین دادرسی و علن در حقوق جزای ماهوی از لحاظ مبنایی هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد چرا که علن در آئین دادرسی نظارت مردم را بر جریان دادرسی به طور بالفعل می‌طلبد (اینکه مقدمات حضور مردم باید از طرف مرجع قضایی مهیا باشد، ضمن اینکه باید هویت اصحاب دعوی مشخص باشد و دادرسی غیابی برای این امور دارای اشکال است).

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

اما علنی در حقوق جزای ماهوی تحقق جرم در مکانی عمومی است که بستر و محل شهروندان است و وقوع جرم مقید به الزام به حضور عموم در زمان جرم نمی‌باشد به نحوی که وقوع جرم در شب تاریک، جرم علنی می‌باشد. با وجود تفاوت صریح بین این دو رویکرد، یک وجه اشتراک از لحاظ قضایی که امکان حضور افراد در آنجا بالقوه وجود دارد و بنابراین این چنین مفهومی از علن، شبیه به مبنای دادرسی در اسلام می‌باشد که در هنگام دادرسی، قاضی برای امر دادرسی محلی را انتخاب کند که سهل الوصول و آشکار باشد نه آنکه در تنگنایی دیر باب و مخفی جلوس کند.

مطالب بالا برای تمییز واژه علنی در حقوق جزای ماهوی و شکلی بود. نویسندگان در باب علنی بودن دادرسی تعاریفی را ارائه داده‌اند به نحوی که برخی علنی بودن دادرسی را به معنای گشودن دادگاه و فرآیندهای قضایی به روی مردم است، وقتی گفته می‌شود محاکمه یا دادگاه علنی است، مقصود این است که استماع دعاوی در معرض ملاحظه عموم است. (حیدرعلامه، ۱۳۸۹: ۲۸۵) برخی هم به طور مشابه علنی بودن را این چنین تعریف کرده‌اند که:

عبارت است از عدم ایجاد مانع برای حضور افراد و رسانه‌ها در جلسات دادگاه و انتشار جریان دادرسی با رعایت حقوق متهم و بزه‌دیده، یکی از شاخص‌های دادرسی منصفانه در اسناد حقوق بشر است. (نیکوئی، ۱۳۸۸: ۶۵)

تعریف شده است که علنی بودن دادرسی عبارت است از کنترل قاضی از طریق نظارت همگانی است. (شیخ الاسلام، ۱۳۸۷: ۱۰۲) مقنن جمهوری اسلامی در ماده ۱۸۸ مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته بود که:

منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد لکن انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود.

با توجه به خلأ رسانه‌ها در جلسات دادگاه، مقنن در اصلاح ماده ۱۸۸ مصوب ۱۳۸۵ علنی بودن محاکمات را، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد، منتشر نمایند. چالش و بررسی انتقادی ماده ۱۸۸ را به بخش دوم موکول می‌کنی. اما علنی بودن را می‌توان عدم ایجاد مانع و بسترسازی مقدماتی اعم قانونی<sup>۱</sup> و مادی<sup>۲</sup> برای حضور رسانه‌ها و مردم در جلسات رسیدگی تعریف کرد.

### گفتار دوم- مبانی محدودیت های حاکم بر رسانه ها

اصل اساسی و بنیادی آزادی بیان و انتشار مطالب یعنی اصل ۲۴ قانون اساسی، که جوهره و روح راه برنده قوانین راجع به رسانه های گروهی است، تأکید دارد:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر اینکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

قانون اساسی مرز و محدوده ای برای همه رسانه های گروهی معین کرده است:

اولین مرز، عدم اخلاص به مبانی اسلام، یعنی پایه های اساسی دین مبین اسلام است که در اصل دوم بیان شده و جمهوری اسلامی بر پایه آنها قرار گرفته است. دومین محدوده حقوق عمومی است، حقوقی که عموم مردم از آن برخوردارند حال با توجه به مطالب فوق در می یابیم که رسانه ها باید در چارچوب مشخص و معینی که قانون تعیین می کند، حق دسترسی به اطلاعات و امور قضایی را خواهند داشت.

### بند اول - مشروعیت محدودیت های حاکم بر رسانه ها

با توجه به آثار و نتایج مفیدی که از حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها ناشی می شود تردیدی در ضرورت دسترسی رسانه ها به دادرسی ها وجود ندارد. با وجود این، دسترسی بدون کنترل رسانه ها به دادرسی ها و دخالت آنها در امور قضایی ممکن است توالی فاسد دنبال داشته باشد حال با توجه به مطالب فوق و قبول محدودیت رسانه ها در انتشار و یا دسترسی به اطلاعات در ادامه به مشروعیت و انواع محدودیت های حاکم بر رسانه ها می پردازیم.

مشروعیت محدودیت های حاکم بر رسانه ها در صورتی پذیرفته اند که از نظر حقوقی «مشروع» باشند، یعنی بر طبق اصول و قواعد و منطق حقوقی پیش بینی شده باشند. قواعدی که مشروعیت محدودیتهای آزادی بیان بر اساس آنها سنجیده می شود، از نظر مبنا به سه دسته تقسیم می شوند:

<sup>۱</sup> منظور از قانونی این است که نص صریح قانونی برای اعلان در روزنامه‌ها و سالن دادگاه برای آگاهی عموم تدوین شود.

<sup>۲</sup> و منظور از مادی می‌تواند این باشد که مقدمات فیزیکی سالن دادگاه آماده برای عموم مردم باشد.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

الف) قواعد عقلی و منطقی

قواعد عقلی یا منطقی، همواره باید به یاد داشته باشیم که آزادی بیان، اصل است و محدودیتها، استثناء. بنابراین، در تعیین احکام حاکم بر رابطه بین آنها باید از قواعدی پیروی کرد که به حکم عقل و منطق بر رابطه بین اصل و استثناء یا اصل و فرع حاکم است. برای مثال، هیچ محدودیتی نمی‌تواند آزادی بیان را حذف یا از محتوا تهی کند؛ زیرا در این صورت، رابطه بین اصل و فرع معکوس می‌شود؛ هیچ استثنائی نمی‌تواند از اصل خود بیشتر باشد، زیرا استثناء اکثر، قبیح و مردود است، استثناء نباید مبهم باشد زیرا استثناء مبهم، باطل است، استثناء باید به صورت مضیق تفسیر شود و در تعیین مفاد آن باید به قدر متقین بسنده کرد.

ب) قواعدی که نظام حقوقی اعمال می‌کند

با توجه به اینکه سخن بر سر حل تعارض بین قواعد حقوقی است (قواعدی که به عنوان استثناء بر قواعد حاکم بر آزادی بیان و مطبوعات و فعالیت‌های رسانه ای وارد می‌شود) باید محدود کردن قواعد اصلی و مادر در چهارچوبی صورت گیرد که نظام حقوقی کشور اجازه می‌دهد. به دیگر سخن، تحمیل استثناء بر اصل آزادی بیان یا اطلاعات باید در چهارچوب نظام حقوقی مشروع باشد.

برای مثال، اگر حق برخورداری از آزادی بیان در زمره یکی از حقوق شناخته شده در قانون اساسی باشد استثنای آن نیز باید در قانون اساسی پیش بینی شود یا نهایت آنکه با اجازه قانون اساسی، در قوانین عادی پیش بینی شود. زیرا، قانون عادی، صلاحیت محدود کردن حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی را ندارد؛ قانون مطبوعات نمی‌تواند محدودیتهایی غیر از آنچه قانون اساسی اجازه داده است بر آزادی مطبوعات وارد کند، یا هیأت وزیران نمی‌تواند با تصویب آیین نامه یا هر مصوبه دیگری به حدود پیش بینی شده در قانون مطبوعات اضافه کند. بر این اساس، در هیچ مصوبه ای غیر از قانون نمی‌توان بر حق مذکور محدودیت وارد کرد.

ج) قواعدی که حقوق بشر و حقوق بین المللی اعمال می‌کند

با توجه به اینکه حق برخورداری از آزادی بیان و سایر آزادی‌های رسانه ای در زمره حقوق بشر (با شهروندی یا بنیادین) شناخته می‌شوند، محدودیتهایی هم که بر این حق وارد می‌شود باید با معیارهایی که برای مشروعیت محدودیتهای حقوق بشر مشخص شده است، مغایرت نداشته باشند.

برای مثال، جز در صورت وجود "ضرورت معقول" نباید به محدود کردن آزادی بیان اقدام شود، محدودیت وارد بر آزادی بیان، باید با مقضیات یک "جامعه دموکراتیک" هماهنگی داشته باشد؛ اگر تحقق یک هدف با استفاده از وسایل و روشهای دیگری که در مقایسه با محدود کردن آزادی بیان کم اهمیت هستند ممکن باشد، نباید به تحمیل محدودیت اقدام شود و از محدود کردن آزادی بیان تنها به عنوان آخرین چاره می‌توان استفاده کرد و این محدود کردن نباید با نقض سایر حقوق همراه باشد.<sup>3</sup>

اینک با توجه به قواعد مذکور، انواع شرایطی که در کنوانسیونها و اسناد مهم بین المللی (نظیر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اصول ژوهانسبورگ) برای احراز مشروعیت حدود آزادی بیان پیش بینی شده است، مطالعه شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق و وظایف بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق و آزادی‌های بشر، ضابطه سه گانه ای را برای احراز مشروعیت حدود قابل تحمیل بر آزادی بیان پیش بینی کرده اند. مسلماً کشورهایی که در قبال این عهدنامه ها متعهدند باید این ضوابط سه گانه را در قوانین و دادگاههای خود، به کار گیرند. با توجه به اینکه ضوابط مذکور، در همه اسناد مهم حقوق بشر آمده است و به دلیل آنکه همه کشورها به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر متعهد شده اند، می‌توان محاکم همه کشورها را به اعمال این ضوابط سه گانه متعهد دانست.

بخش اول این ضابطه اعلام می‌کند که هر نوع محدودیت باید تنها به حکم قانون برقرار شود. بخش دوم آنکه ایجاد هر نوع محدودیت باید به دلیل یکی از اهداف مشروعی باشد که صریحاً در قانون احصاء شده است. بخش سوم آنکه اثبات شود وضع آن محدودیت ضروری است. اعلامیه جهانی لازم می‌داند که هرگونه محدودیت، تنها به قصد شناسایی و تأمین منابع احصاء شده در یک جامعه دموکراتیک برقرار شود. میثاق بین المللی و کنوانسیون آمریکایی اعلام می‌کند که محدودیتها باید برای حمایت از منافع مذکور در کنوانسیون، ضرورت داشته باشند و کنوانسیون اروپایی نیز دو مفهوم "ضرورت" و "جامعه دموکراتیک" را ترکیب و تصریح می‌کند که هرگونه محدودیت باید در یک جامعه دموکراتیک ضرورت داشته باشد. گرچه کنوانسیون آمریکایی مشخصاً به ضرورت داشتن حدود هر یک جامعه دموکراتیک اشاره

<sup>3</sup> See: ARTICLE. 19 Freedom of Expression Handbook: International and Comparative Law, Standards and procedures, 1993, pp. 111-109.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

نمی‌کند، اما دیوان دادگستری امریکایی حقوق بشر اعلام کرده است که هرگونه حدود بر آزادی بیان، باید شرایط مقرر شده از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر را داشته باشد.

### بند دوم- انواع محدودیت های حاکم بر رسانه ها

با مطالعه اسناد و کنوانسیون های بین المللی مربوط به آزادی بیان و رسانه های همگانی و نیز با مطالعه تطبیقی قوانین و مقررات کشورهای مختلف جهان می‌توان هفت محدودیت اساسی برای آزادی بیان شناسایی کرد. برخی از این محدودیت ها در قوانین داخلی ما وجود دارد که مختصراً از آنها نام خواهیم برد.  
الف. محدودیتهای اساسی آزادی بیان عبارت اند از:

- ۱- حمایت از امنیت ملی،
- ۲- حمایت از اسرار دولتی
- ۳- حمایت از حریم خصوصی
- ۴- حمایت از مالکیت های فکری
- ۵- حمایت از آبرو و اعتبار اشخاص
- ۶- حمایت از منصفانه بودن دادرسی ها
- ۷- حمایت از مخاطبان در برابر تبلیغات گمراه کننده.

ب: در کشور ما قوانین و مقررات مهمی که محدودیتهای آزادی بیان در آنها پیش بینی شده است عبارت‌اند از: قانون اساسی. آزادی بیان و محدودیتهای آن در اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی مورد توجه واقع شده است. اصل ۲۴ از "عدم اخلال به مبانی اسلام" و "حقوق عمومی" با عنوان محدودیتهای آزادی مطبوعات نام برد و اصل ۱۷۵ نیز آزادی بیان و شر افکار در رادیو و تلویزیون را به "رعایت موازین اسلام" و "تأمین مصالح کشور" محدود کرده است.  
قانون مطبوعات. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ و اصلاحیه ۱۳۷۰/۱/۳۰ آن حدود زیر را برای آزادی مطبوعات پیش بینی کرده است:

- ۱- عدم توهین به اسلام و مقدسات آن
- ۲- عدم توهین به رهبر یا مراجع مسلم تقلید
- ۳- عدم ارتکاب توهین و افتراء
- ۴- عدم انتشار اطلاعات طبقه بندی شده (ماده ۲۴ و بند ۶ ماده ۶)،
- ۵- عدم انتشار عکس ها و تصاویر خلاف عفت عمومی (ماده ۲۸ و بند ۲ ماده ۶)
- ۶- عدم انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی (ماده ۲۹)
- ۷- عدم انتشار مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع قضایی که افشاء آنها طبق قانون مجاز نیست (ماده ۲۹)،
- ۸- عدم انتشار تحقیقات مراجع اطلاعاتی که افشاء آنها طبق قانون مجاز نیست (ماده ۲۹)
- ۹- عدم تقلید نام یا علامت نشریه های دیگر (ماده ۳۳)،
- ۱۰- عدم نشر مطالب الحادی،
- ۱۱- عدم اشاعه فحشاء،
- ۱۲- عدم سرقت های ادبی
- ۱۳- عدم انتشار مطلب علیه قانون اساسی (بند ۱۲ ماده ۶ الحاقی ۱۳۷۹)
- ۱۴- عدم انتشار آگهی های تجاری گمراه کننده
- ۱۵- عدم ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند (بند ۱ ماده ۶)
- ۱۶- عدم الحاد اختلاف بین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی (بند ۴ ماده ۶)
- ۱۷- عدم تحریص و تشویق افراد و گروه ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت ملی، حیثیت و منافع ایران در داخل و خارج (بند ۵ ماده ۶)
- ۱۸- عدم انتظار مطالب مشتمل بر افشای اسرار شخصی (ماده ۳۱)
- ۱۹- عدم پخش شایعات و مطالب خلاف واقع یا تحریف مطالب دیگران (بند ۱۱ ماده ۶ الحاقی ۱۳۷۹)

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

۲۰- عدم تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. در قانون مجازات اسلامی برای فعالیت‌های رسانه‌ای حدود ذیل پیش بینی شده است:

۱- عدم انجام فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به نفع گروه‌ها یا سازمانهای مخالف نظام (ماده ۵۰۰)

۲- عدم توهین به مقدسات اسلام یا انبیاء عظام یا ائمه طاهرين یا حضرت زهرا سلام الله عليهم (ماده ۵۱۳)

۳- عدم توهین به امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری (ماده ۵۱۴)

۴- عدم توهین به افراد (ماده ۶۰۸ و ماده ۶۹۷)

۵- عدم جریحه دار کردن عفت و اخلاق عمومی (بند ۱ ماده ۶۴۰ و بند ۳ ماده ۶۴۱)

۶- عدم نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی (ماده ۶۹۸)

۷- عدم هجو (ماده ۷۰۰).

### گفتار سوم- محدودیت های عام حاکم بر رسانه‌ها از دیدگاه حقوق عمومی

با توجه به حوزه گسترده مخاطبین و سرعت انتشار مطالبه رسانه‌های گروهی در جوامع امروزی از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند، رسانه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در حفظ حقوق شهروندان و افراد جامعه ایفا نمایند. البته ممکن است آزادی رسانه‌ها با اصول و حقوقی همچون اصل برائت، سایر موازین دادرسی منصفانه در تعارض قرار گیرد، به نقض حریم خصوصی اصحاب دعوا و شرکت کنندگان در جلسات دادرسی‌ها بیانجامد، امنیت ملی و شخصی افراد جامعه را در معرض خطر قرار دهد، اسرار دولتی را افشا کند، به مقامات و اعتقادات افراد جامعه توهین نماید، به منافع تجاری اشخاص لطمه وارد کند، نظم جلسات دادگاه‌ها را مختل کند یا با اخلاق حسنه مغایرت داشته باشد. از این رو، لازم است حدود دسترسی رسانه‌ها مشخص شود و بین منافع ناشی از این دسترسی و منافع مرتبط با حقوق عمومی و حقوق خصوصی افراد تعادل و سازش ایجاد شود.

با توجه به قبول محدودیت آزادی رسانه‌ها و وجود چهارچوب جهت دسترسی و انتشار مطالب، در مباحث امنیت ملی، اسرار دولتی و اعتقادات مذهبی که از دیدگاه حقوق عمومی دارای اهمیت بسیاری برای دولت‌ها و جوامع امروزی می‌باشد، این محدودیت و چهارچوب آزادی رسانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

البته اگر این محدودیت‌ها دقیقاً وفق قانون مشخص نباشد موجب تضییع حقوق افراد جامعه خواهد بود. در ادامه سعی خواهد شد مفهوم دقیقی از مفاهیم امنیت ملی، اسرار دولتی و توهین به مقامات و مقدسات ارائه دهیم تا بتوان حدود آزادی رسانه‌ها در خصوص مباحث مذکور تبیین نمود.

یکم- امنیت ملی

امنیت ملی مهمترین و نخستین محدودیت آزادی بیان است. بدیهی است که چنانچه سطح معقولی از امنیت در جامعه وجود نداشته باشد آن جامعه نمی‌تواند از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان خود پاسداری کند. امنیت‌های مقوله‌های مختلف دارد و ممکن است در عرصه‌های مختلف فردی، گروهی و ملی از سوی عوامل داخلی یا خارجی در معرض تهدید قرار گیرد.

در این میان امنیت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا بستر لازم برای تأمین دیگر امنیت‌ها و شکوفایی و آزادی‌های اساسی را فراهم می‌آورد. سایر امنیت‌ها را ممکن است در برابر ارزشهای دیگر قربانی کرد اما امنیت ملی همواره ارزش غالب است و دولت‌ها آن را در مصاف با هیچ ارزشی فدا نمی‌کنند. در غیر این صورت، موجودیت، تمامیت و اقتدار و فلسفه‌ی وجودی آنها در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد. از این رو، در کشورهای مختلف جهان، اهمیت امنیت ملی تا اندازه‌ای زیاد است که در صورت تعارض با دیگر حقوق از جمله حق آزادی بیان، بر آنها غلبه می‌یابد و آنها محدود یا معلق می‌کند.

با توجه به اینکه قوانین و مقررات مختلف مربوط به فعالیت‌های رسانه‌ای نظیر قانون مطبوعات بر ممنوعیت انتشار هر گونه مطلب علیه امنیت ملی تأکید شده است.<sup>۴</sup> در این گفتار امنیت ملی، سپس نحوه تشخیص بیانهای مخالف با امنیت ملی توضیح داده می‌شود.

<sup>۴</sup>- ماده ۲۵ قانون مطبوعات: هر کس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، تحریض و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم می‌شود و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.



## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

امنیت ملی یک اصطلاح کلی و مبهم است<sup>۵</sup> که برداشت‌ها و تعابیر مختلفی از آن قابل ارائه است. به طور خلاصه می‌توان امنیت ملی را به وجود اطمینان خاطر برای دولت و شهروندان مبنی بر اینکه، تمامیت سرزمین یا حکومت آنها در معرض تهدید داخلی یا خارجی قرار ندارد تعبیر کرد.

یعنی امنیت ملی امری است که تنها در صورت وجود تهدید علیه امنیت ارکان و عناصر یک دولت کشور به آن متوسل شد و وجود تهدید نسبت به بخش‌هایی از یک نظام حکومتی، برخی اشخاص حکومتی یا برخی گروه‌ها علی‌الاصول، تهدید علیه امنیت ملی محسوب نمی‌شود.

همچنین لازم است که اطلاعات، اعمال و اقداماتی را که ممکن است برخلاف منافع یا مصالح عمومی باشند از امنیت ملی متمایز کرد. چه بسا عملی برخلاف منافع یا مصالح عمومی باشد اما برخلاف امنیت ملی نباشد. بنابراین، جرایم علیه منافع عمومی، لزوماً جرایم علیه امنیت ملی نیستند.

احصاء و پیش‌بینی مصادیق بیانهای مخالف با امنیت ملی در قوانین و مقررات غیرممکن است و گاهی انتشار یک امر به ظاهر کم‌اهمیت ممکن است برای امنیت ملی خطر آفرین باشد و گاهی برعکس، اطلاعاتی که اصولاً مرتبط با امنیت ملی قلمداد می‌شوند ممکن است قابل انتشار در رسانه‌ها شناخته شوند. از این رو، به نظر می‌رسد که تشخیص مصادیق امنیت ملی بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد جنبه امنیتی دارد و دادرسان در مقام رسیدگی به جرایم علیه امنیت ملی باید از نظر کارشناسی مراجع تخصصی استفاده کنند و صرفاً بر مبنای یافته‌های حقوقی خود درباره این جرایم قضاوت نکنند.

دوم- مفهوم بیان مخالف با امنیت ملی

یکی از مسائل بسیار مهم و در عین حال پیچیده، تشخیص بیانهای مخالف با امنیت ملی است. در این خصوص، برخی قوانین و مقررات، همانند قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات، قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مجازات انتشار اسناد طبقه‌بندی شده، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص نشر کتاب‌انواعی از اقدامات و بیانها را صریحاً و البته به نحو تمثیل، مغایر با امنیت ملی دانسته‌اند و در برخی مواد نیز معیارهایی برای شناسایی بیانهای مذکور به دست داده‌اند.

همچنین رسانه‌ها به دو صورت در ارتکاب جرایم علیه امنیت ملی نقش دارند: گاهی هدف از انتشار یک مطلب آن است که افرادی را به اقدام علیه امنیت ملی تحریک کند یا انجام یک اقدام را آموزش دهد یا از اقدامی که علیه امنیت ملی صورت گرفته، تمجید و تقدیر کند. گاهی نیز هدف از بیان صرفاً انتشار یک مطلب و افشا اموری است که نباید افشا شوند. برای مثال: اسنادی که با عنوان «به کلی سری» طبقه‌بندی شده یا اطلاعاتی که انتشار آنها از سوی شورای عالی امنیت ملی ممنوع شده است، در یکی از رسانه‌ها منتشر می‌شود.<sup>۶</sup> با توجه به موازین حقوقی، می‌توان انواع بیانهای مذکور را در سه دسته، مقوله‌بندی کرد، بیانهایی که تحت عنوان جرم تروریستی قرار می‌گیرد، بیانهایی که تحت عنوان جرم سیاسی قرار می‌گیرند و سایر بیانها.

الف) جرایم تروریستی

منظور از جرایم تروریستی جرایمی هستند که با اهداف سیاسی علیه مقامات دولتی، اموال و تأسیسات دولتی یا عمومی یا شهروندان ارتکاب می‌یابند. هواپیماربایی، راهزنی دریایی، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، آلوده کردن شدید محیط زیست، از کار انداختن تأسیسات عمومی و کشتن مقامات دولتی از مصادیق مهم اعمال تروریستی هستند. (عبدالهی، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۷۳).

هدف مرتکبان این اعمال آن است که با ایجاد وحشت و هراس در مقامات سیاسی یا اذهان گروهی از افراد یا عامه مردم به نتیجه سیاسی مورد نظر خود دست یابند. بنابراین، جرایم عمدتاً از سوی مخاطبان سیاسی صورت می‌گیرند و جرایم علیه امنیت ملی محسوب می‌شوند. از مصادیق اعمال تروریستی مشخص می‌شود این اعمال متضمن خشونت فیزیکی اند و اصولاً با فعالیت‌های رسانه‌ای قابل ارتکاب نیستند. اما همان‌طور که در برخی از اسناد بین‌المللی و قوانین ضدتروریسم برخی کشورها پیش‌بینی شده، بیانهایی که در حمایت از تروریسم باشند، جرم است و شدیداً با آنها برخورد می‌شود. مقدمه قطعنامه شورای امنیت شماره ۱۶۲۴ مورخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ می‌گوید:

«تحریک به اعمال تروریستی و تلاشهایی که با توجیه یا تمجید از اعمال تروریستی به نفعی وصف تروریستی آنها می‌پردازند و به اعمال تروریستی بیشتر دامن می‌زنند قویاً محکوم می‌شود.» همچنین قانون مبارزه با تروریسم انگلستان مصوب ۲۰۰۵ هر نوع بیانی که به

<sup>۵</sup> - Jargon Concept

<sup>۶</sup> - در کشور ما مهم‌ترین مراجع امنیتی که تشخیص اطلاعات مرتبط با امنیت ملی یا اقدامات مخالف با امنیت ملی، علی‌الاصول، طبق قانون به عهده آنهاست و مقامان قضایی نیز در رسیدگی به جرایم علیه امنیت ملی باید از نظرهای کارشناسی آنها استفاده کنند عبارت‌اند از: شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور، وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح و شوراها تأمین استانها.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

تمجید و تجلیل از مرتکبان جرایم تروریستی یا به تقبیح و ذم قربانیان این جرایم بپردازد تحت عنوان حمایت از تروریسم مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

(ب) جرایم سیاسی

در قوانین ما تعریفی از جرم سیاسی ارائه نشده است و در ارائه ضابطه ی برای تمایز بین جرایم عمومی و سیاسی اختلاف نظر وجود دارد. (زینلی، ۱۳۷۸، ص ۲۳-۵۶). برخی معتقدند جرم سیاسی جرمی است که به تشکیلات و کار قوای عمومی یا به منافع سیاسی کشور یا به حقوق اساسی شهروندان لطمه وارد می کند. انگیزه و هدف مرتکب در این تعریف مدخلیت ندارد. در مقابل، برخی به انگیزه مرتکب توجه می کنند و معتقدند هر جرمی که با انگیزه و هدف سیاسی ارتکاب یابد جرم سیاسی است. برخی نیز هر دو ضابطه را برای سیاسی محسوب شدن جرم، لازم می دانند.

تفاوت و وجه تمایز جرایم سیاسی از تروریستی آن است که مجرم سیاسی به اعمال خشونت آمیز دست نمی یازد و صرفاً با استفاده از بیان یا اقدام مسالمت آمیز مخالفت خود را بیان می کند. از این رو، برخلاف مجرمان تروریستی که با اشد احوال با آنها برخورد می شود. با مجرمان سیاسی با ملایمت رفتار می شود، زیرا، مفروض این است که مجرم سیاسی به دنبال منافع عمومی است و در خصوص نحوه اداره جامعه و تأمین منافع عمومی نظر دیگری دارد.

برخی از مهمترین مصادیق جرم سیاسی عبارت اند از:

تبلیغ علیه نظام. ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در این باره می گوید: «برای جلوگیری از اینکه ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به مانعی در برابر انتقادات سالم از مقامات دولتی تبدیل شود باید ماده مذکور را تفسیر مضیق کرد: منظور از «نظام» کلیت نظام است نه یک مسئول یا نهاد حکومتی و منظور از «گروهها و سازمانها» نیز آنهایی هستند که قصد مبارزه با کلیت نظام را دارند.

علاوه بر این، عبارت «فعالیت تبلیغی» نشان می دهد که استمرار در تبلیغات لازم است و با یک بار اقدام رسانه ای علیه نظام نمی توان مرتکب را مشمول حکم این ماده قرار داد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۶۴)

تحریک. قانون مجازات اسلامی ذیل عنوان جرایم علیه امنیت ملی، تحریک افراد به اعمال زیر را جرم شناخته است:

- تحریک نیروهای رزمنده یا اشخاصی که به نحوی از انحا در خدمت نیروهای مسلح هستند و به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی (ماده ۵۰۴ ق.م.ا)

- تحریک و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور (بند ۵ ماده ۶ ق.م.ا)

- تحریک یا اغوا مردم به جنگ و کشتار یکدیگر (ماده ۵۱۲ ق.م.ا)

(ج) سایر جرایم

دسته سوم از جرایم علیه امنیت ملی جرایمی اند که فاقد وصف تروریستی می باشند و با انگیزه سیاسی نیز ارتکاب نمی یابند. برخی از این جرایم عبارت اند از:

- انتشار مطالبی که از سوی شورای عالی امنیت ملی منع شده باشد.

- فاش نمودن و انتشار غیرمجاز اسناد و دستورها و مسائل محرمانه و سری دولتی و عمومی

- فاش نمودن و انتشار غیرمجاز اسرار نیروهای مسلح

- فاش نمودن و انتشار غیرمجاز نقشه استحکامات نظامی

- انتشار غیرمجاز مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی

- اختلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

### نتیجه گیری

به طور کلی در زمینه ورود مطبوعات به بحث محاکمات قضایی دو ارزش به نوعی با هم تلاقی می کنند. از یک طرف همان آزادی اطلاع رسانی است، یعنی این که مردم بتوانند اطلاعات لازم را بویژه درباره پروندههایی داشته باشند که در کشور ایران به پروندههای ملی معروف شده اند. از طرف دیگر بحث حقوق افراد و متهمان مطرح است. به هر حال اگر بنا باشد جزئیات اتهام و مشخصات فردی درج شود که هنوز محکومیت او قطعی نشده است و چه بسا در نهایت تبرئه شود، همان سابقه در اذهان باقی می ماند و تیرئه نهایی تأثیری در پاک کردن ذهنیت منفی مردم نسبت به متهم نخواهد داشت. بنابراین باید به گونه ای بین این دو سازش برقرار کرد. در قانون آئین دادرسی کیفری و

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

ماده که از این نظر که مردم باید مطلع شوند محاکمات علنی است و طبعاً افراد می‌توانند در آنجا باشند و از وضعیت پرونده مطلع شوند. این برای حفظ ارزش اول است، یعنی بحث آزادی بیان و اطلاع رسانی و از این قبیل. اما از طرف دیگر انتشار آن در رسانه‌ها محدودیت دارد زیرا انتشار در مطبوعات باعث برد مسئله در حد بسیار گسترده ای می‌شود و این برای حفظ ارزش دوم یعنی حفظ حقوق کسی است که تا وقتی متهم است و محکوم نشده اصل بر برائت اوست. بنابراین نباید به گونه ای با او برخورد کرد که او مقصر محسوب شود. در بعضی از کشورهای دنیا به اصل اول اولویت داده شده است. مثلاً در کشورهای اروپایی معمولاً از همان ابتدا که فرد در مظان اتهام قرار می‌گیرد و حتی گاه قبل از آن، مطبوعات وارد ماجرا می‌شوند و مسئله را از طریق روزنامه و سایر رسانه‌ها منعکس می‌کنند. حتی جریان دادگاه، دفاعیات متهم، حرف‌هایی که وکیل زده است، همه این‌ها مطرح می‌شود و هیچ وقت منتظر حکم قطعی و نهایی باقی نمی‌ماند و مطبوعات از این جهت آزاد هستند. در کشور ایران برعکس، شاید به آن دومی اولویت داده شده است. یعنی در عین حال که افراد می‌توانند در دادگاه شرکت کنند انتشار جریان محاکمه توسط مطبوعات منوط به این است که فرد متهم به طور قطعی محکوم شود یعنی دیگر اصل برائت قابل استناد نباشد، چون در این مرحله تقصیر و محکومیت فرد محرز شده است. در قانون مجازات اسلامی جدید درباره برخی از مجرمان اقتصادی اعلام اسامی از طریق رسانه‌ها پیش بینی‌هایی شده است تا این امکان باشد که مردم از طریق رسانه‌ها در جریان قرار بگیرند. البته از یک طرف حتی می‌توان گفت که بعد از محکومیت قطعی هم وقتی مطبوعات این مسئله را منتشر می‌کنند این کار هم به نوعی مغایر با حقوق آن فرد است. چون درست است که الآن او محکوم شده است ولی ذکر نام او در مطبوعات و جراید یک مجازات مضاعف است که بدون تصریح قانون مبنایی ندارد. خیلی وقت‌ها دلیلی ندارد که برای فرد محکوم مجازات مضاعف به شکل انتشار نامش در جراید در نظر بگیریم. این بحث هم وجود دارد ولی در قانون ایران از این نظر برای انتشار اسامی محکومان ممنوعیتی وجود ندارد. قانون اساسی در این زمینه صریح است و می‌گوید اصل بر این است که محاکمات علنی باشد و همه افراد می‌توانند در آن حضور داشته باشند. اما استثناء هم دارد که در قانون اساسی آمده است. یکی موارد امنیتی است یعنی وقتی که علنی بودن محاکمه به امنیت کشور لطمه بزند و یکی هم این که علنی بودن دادگاه منافی عفت باشد. بجز این گونه موارد باید محاکمات علنی باشد و قاضی نمی‌تواند مانع حضور افراد در محکمه باشد. پس اصل بر علنی بودن است و قضات برای استثنائات هم باید ادله قابل قبول داشته باشند و با دلایل اندک نباید سعی کنند دادگاه را از حالت علنی خارج و در واقع از اصل عدول کنند. البته می‌توان ساز و کارهایی را برای این مسئله در نظر گرفت. خیلی وقت‌ها دلیل خوب اجرا نشدن قانون اساسی این است که قانون عادی حدود و ثغور مسئله را تعیین نکرده است تا زمینه‌ی اجرای آن اصل قانون اساسی را فراهم کند. مثل اصل ۱۶۸ درباره حضور هیئت منصفه در جرایم سیاسی که چون جرم سیاسی تعریف نشده است عملاً مجرمان سیاسی از این حق محروم شده‌اند و هیئت منصفه در محاکمه آن‌ها حضور ندارد. در حالی که اصل آن موضوع مقبولی است. دادستان و قاضی هر دو وابسته به حاکمیت هستند و متهمی که جرم سیاسی انجام داده است به نوعی با حاکمیت در افتاده است. پس این فرد نباید بین دو نفری باشد که هر دو وابسته به حاکمیت هستند. بنابراین گفته می‌شود که هیئت منصفه باید به عنوان نماینده بی طرف جامعه حضور داشته باشد تا تقصیر او را احراز کند. اما این مسئله الآن در ایران روی زمین مانده است. بعضی از اصول دیگر قانون اساسی مثل اصل ۱۴۲ که درباره‌ی داریایی مسئولان است هم در حال حاضر وضعیتش خیلی معلوم نیست که چه طور این داریاییها بررسی می‌شود، چون قانون عادی حدود و ثغور آن را مشخص نکرده است. در مورد بحث ما هم همین طور است، وقتی قانون اساسی گفته است منافی عفت و خلاف امنیت ملی نباشد می‌توان در قانون عادی تعریف کرد که این معیارها چیست، قاضی چه زمانی می‌تواند با این معیارها موردی را خلاف امنیت یا منافی عفت بداند و اگر خلاف امنیت یا منافی عفت یافت، آن وقت به چه مرجعی باید اعتراض کرد و چه طور به این اعتراض باید رسیدگی شود. به هر حال می‌توان گفت با تصویب قوانین می‌توان جلوی بدون دلیل غیرعلنی اعلام کردن محاکمات را گرفت که طبعاً کار خوبی است.

ارائه راهکارها و پیشنهادات

- پیشنهاد می‌شود ساز و کار ویژه ای برای رسانه ای کردن محاکمات بر اساس قانون ویژه ای توسط مجلس شورای اسلامی تدوین گردد.
- اینکه بتوانیم اختیار رسانه ای کردن محاکمات را به عهده قاضی بگذاریم به نظر می‌رسد ممکن است در بعضی مواقع با غرض ورزی‌ها این مسئله شخصی شود. و تدوین قانون می‌تواند به آن کمک شایانی کند.
- پیشنهاد می‌شود دانشجویان حقوق ابعاد دیگر این موضوع را بررسی و پایان نامه‌های دیگری تدوین گردد.

# Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

#### کتابها:

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۸). "آئین دادرسی کیفری". جلد اول. نشر سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهاردهم.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۷۹). "آئین دادرسی کیفری". جلد چهارم. چاپ اول. انتشارات اشراق.
۳. آشوری، محمد (۱۳۸۴). "آئین دادرسی کیفری". جلد ۲. انتشارات سمت. چاپ دهم.
۴. آشوری، محمد (۱۳۸۴). "آئین دادرسی کیفری". جلد ۲. انتشارات سمت. چاپ ششم.
۵. آشوری، محمد و همکاران (۱۳۸۳). "حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت"، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. چاپ اول.
۶. آشوری، داریوش (۱۳۸۲). "دانشنامه سیاسی"، انتشارات مروارید. چاپ نهم.
۷. آنسل، مارک (۱۳۹۱). "دفاع اجتماعی". ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. انتشارات گنج دانش. چاپ چهارم.
۸. احمدی، منصور (۱۳۸۸). "دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران". در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی). چاپ اول.
۹. اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۴). "مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، عدالت برای بزه‌دیدگان". ترجمه علی شایان. انتشارات سلسبیل. چاپ اول.
۱۰. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲). "حقوق جزای عمومی". جلد اول. انتشارات میزان. چاپ چهارم.
۱۱. اشرافی، لیلا (۱۳۸۶). "ترجمه دادرسی عادلانه". چاپ اول. نشر میزان.
۱۲. اشرافی، ارسلان (۱۳۸۵). "جاسوسی به نفع اجانب". تهران: انتشارات تخت جمشید. چاپ اول.
۱۳. امیر ارجمند (۱۳۸۶). "مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر". جلد ۱-۲. انتشارات جنگل. چاپ سوم.
۱۴. ایمانی، عباس (۱۳۸۶). "فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری". انتشارات هستی. چاپ دوم.
۱۵. بکاریا، سزار (۱۳۷۵). "رساله جرایم و مجازات‌ها". ترجمه محمدعلی اردبیلی. انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی. چاپ اول.
۱۶. بلاغی، صدرالدین (۱۳۷۰). "عدالت و قضا در اسلام". چاپ پنجم. انتشارات امیرکبیر.
۱۷. پرادل، ژان (۱۳۷۳). "تاریخ اندیشه‌های کیفری". ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. انتشارات شهیدبهشتی با همکاری نشر یلدا. چاپ اول.
۱۸. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). "سیاست جنایی مشارکتی". نشر میزان. چاپ اول.
۱۹. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۳). "حقوق کیفری بین‌الملل". نشر میزان. چاپ سوم.
۲۰. حیدر علامه، غلام (۱۳۸۹). "اصول راهبردی حقوق کیفری". چاپ اول. نشر میزان.
۲۱. خالقی، علی (۱۳۹۰). "جستارهای از حقوق جزای بین‌الملل". نشر شهر دانش. چاپ دوم.
۲۲. خالقی، علی (۱۳۸۳). "آئین دادرسی کیفری"، انتشارات شهر دانش. چاپ سوم.
۲۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). "لغت نامه دهخدا". ج ۱۰. از دوره جدید. مؤسسه لغت نامه دهخدا. چاپ دوم.
۲۴. رابجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). "بزه‌دیده شناسی حمایتی". چاپ دوم. نشر دادگستر.
۲۵. رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۷۸). "کرامت انسانی در حقوق کیفری". نشر میزان. چاپ اول.
۲۶. زراعت، عباس و همکاران (۱۳۸۵). "آئین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی". سمت. چاپ ششم.
۲۷. شکری و سیروس، رضا و قادر (۱۳۸۹). "قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی". چاپ نهم. نشر مهاجر.
۲۸. شمس، عبدالله (۱۳۸۵). "آئین دادرسی مدنی". جلد دوم. انتشارات دراک. چاپ دهم.
۲۹. شیخ‌الاسلام، عباس (۱۳۸۷). (معاونت آموزش قوه قضائیه). "بررسی تحقیقی جرایم مطبوعاتی". چاپ اول. انتشارات جاودانه.
۳۰. صانعی، پرویز (۱۳۶۵). "حقوق جزای عمومی". جلد اول. گنج دانش. چاپ پنجم.
۳۱. صبری، نورمحمد (۱۳۸۴). "هیأت منصفه (مطالعه تطبیقی)". نشر میزان. چاپ اول.
۳۲. صفاری، علی (۱۳۸۸). "کیفرشناسی". انتشارات جنگل، چاپ هشتم.

# Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

۳۳. عمید زنجانی (۱۳۸۲). "فقه سیاسی"، جلد اول. انتشارات امیرکبیر. چاپ دهم.
۳۴. غفاری، جلیل (۱۳۸۴). "آئین دادرسی مدنی". جلد دوم. چاپ اول آزمایشی تجدید نظر شده.
۳۵. کاپتین و مالچ نیکل، هنریک و مارک (۱۳۸۴). "جرم، بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)"، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خلیلیان. چاپ اول.
۳۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵). "بایسته‌های حقوق جزای عمومی". نشر میزان. چاپ دوازدهم.
۳۷. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۸). "کلیات آئین دادرسی کیفری". نشر جنگل، چاپ سوم.
۳۸. محسنی، مرتضی (۱۳۷۵). "دوره حقوق جزای عمومی". انتشارات گنج دانش. چاپ اول.
۳۹. معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۹). "بررسی تحلیل جرایم مطبوعاتی". انتشارات جنگل. چاپ اول.
۴۰. نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، علی حسین و حمید (۱۳۷۷). "دانشنامه جرم شناسی". مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. چاپ اول.
۴۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). "صحیفه عدالت (مجموعه بیانات)" جلد ۳. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۴۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳). "حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران". جلد دوم. چاپ نهم. نشر میزان.
۴۳. والک لیت، ساندر (۱۳۸۶). "شناخت جرم شناسی". ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. نشر میزان. چاپ اول.

## مقاله‌ها

۴۴. احمدی، منصور. "دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران". در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها زیر نظر علی حسین نجفی ابرنآبادی)، (۱۳۸۸). چاپ اول.
۴۵. افتخار جهرمی، گودرز. "جرایم مطبوعاتی". روزنامه هشتی (۱۳۷۸).
۴۶. امید و نیکویی، جلیل و سمیه. "تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری". فصلنامه مدرس علوم انسانی (۱۳۸۷). دوره ۱۲. شماره ۳.
۴۷. امید، جلیل. "حقوق بشر در دعاوی کیفری براساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای". دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۴۸. امید، جلیل. "دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم". علوم جنایی (مجموعه مقالات در ..... از دکتر محمد آشوری). (۱۳۸۳). انتشارات سمت. چاپ دوم.
۴۹. امید، جلیل. "دادرسی کیفری و حقوق بشر". فصلنامه مجلس و پژوهش (۱۳۸۲). شماره ۳۸.

## لاتین

- P., Williams, and J., Dickinson, Fear of Crime, Read All about It? The Relation ship Between Newspaper Crime Reputing and Fear of Crime, *British Journal of Criminology*, 33:1, pp.33-56, 1993, available at : <http://bjc.oxfordjournals.org/content/33/1/33.full.pdf+html> (retrieved at:14/08/2013)
- J.M.Carlson, Prime-Time Law Enforcement: Crime show viewing and Attitudes to the Criminal justice system, New York, Praeger, 1985, p.71; N., Signorielli, Television mean and Dangerous world: A continuation of the cultural Indicators, perspective, in N.,Signorielli and M., Morgan (eds.), cultivation Analysis, New Directions in Media Effects Research, New burg park, Sage,1990,pp.85-106.
- G., Gerbner, et al., The mainstreaming of Americal: violence profile No.11, *Journal of communication*, 30:3, pp. 10-29, 1980 available at: <http://onlineLibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1460-2466.1980.tb01987.x/pdf> (retrieved at : 10/08/2013).
- P.,Hirsch, The "Scary World" of the non viewer and other anomalies : A reanalysis of Gerbner et al.'s findings on cultivation analysis, Part I., *communication Research*, 7,pp.403-456, 1980
- Hirsch, on not learning from one's own mistakes: A reanalysis of Gerbner et al.'s findings on cultivation analysis part II, *Communication Research*, 8, pp. 3-37, 1981, available at: <http://crx.sagepub.com/content/8/1/3.full.pdf+html> (retrieved at : 10/08/2013).
- MT., Gordon and L., Heath, The news business, Crime, and fear, pp. 227-250, in D., Lewis (ed.), *Reactions to Crime*, Beverly Hills, CA, Sage, p.246.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

- A.E, Liska, and W., Baccaglini, Feeling Safe by comparison : Crime in the newspapers, Social problems 37:3, 1990, pp. 360-74, available at: <http://www.jstor.org/stable/800748> (retrieved at : 10/08/2013).
- D., Zillman and J., wakshlag, Fear of victimization and the Appeal of crime Drama, in D., Aillman and J., Bryant (eds.), selecting Exposure to communication, Hillsdale, NJ, Erlbaum, 1987, p.88.
- J., Wakshlag, et al, Selecting crime Drama and Apprehension about Crime, Human communication Research, 10:2, pp. 227-42, 1983, p238, available at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/1031111/j.1468-2958.1983. Tb00012.x/pdf> (retrieved at : 10/08/2013).
- R.E. Dobash,et al., Crime watch UK: Womens Interpretation of Televised violence in M.Fishmena and G. Cavender (eds.), Entertaining Crime: Television reality programs, Newyork, Aldine De Gruyter, 1998, pp.37-58.
- Orit, Kamir, Cinematic Judgment and Juris prudence: A Woman`s Memory, Recovery and Justic in a Post – Traumatic Society (A study of Polanski`s Death and the Maidem), in: Austin, Sarat et al. (eds), Law on the screen, Stanford University Press, California, USA, 2005, PP.27-81.
- Nicole, Rafter, Shots in the Mirror : Crime Firms and Society, NY, oxford Press, 2000, p.9.
- ARTICLE. 19 Freedom of Expression Handbook: International and Comparative Low, Standards and procedures, 1993
- Orit, Kamir, Cinematic Judgment and Juris prudence: A Woman`s Memory, Recovery and Justic in a Post – Traumatic Society (A study of Polanski`s Death and the Maidem), in: Austin, Sarat et al. (eds), Law on the screen, Stanford University Press, California, USA, 2005
- J., Wakshlag, et al, Selecting crime Drama and Apprehension about Crime, Human communication Research, 10:2, pp. 227-42, 1983
- <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/1031111/j.1468-2958.1983. Tb00012.x/pdf>
- R.E. Dobash,et al., Crime watch UK: Womens Interpretation of Televised violence in M.Fishmena and G. Cavender (eds.), Entertaining Crime: Television reality programs, Newyork, Aldine De Gruyter, 1998,



## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium